

حمیدرضا عمادی، تحلیلگر رسانه نوشت:

از «عصر حجر» تا «حقیقت میدانی»

تحلیل روایت‌های متضاد جنگ رسانه‌ای ایران



با تمدنی چندین هزارساله، هرگز اجازه نداده است تا کیانش مورد تاخت و تاز قرار بگیرد. این ادعا را می‌توان با «نظریه سازه‌نگاری» تحلیل کرد؛ یعنی دشمن در حال تلاش برای ساختن واقعیتی جدید در ذهن افکار عمومی است، اما این تلاش به سبب تناقض با تجربیات تاریخی، کارساز نخواهد بود.

ایران بارها و بارها از خاکستر تهاجمات دشمن، از زمین برخاسته است. پس از انقلاب اسلامی که ایران به عنوان محور مقاومت منطقه در برابر زیاده‌خواهی دشمن شناخته شد، با تحمیل هشت سال جنگ، منافقین، مزدوران داخلی و هزاران تحریم، محاصره اقتصادی، تهاجم فرهنگی نتوانستند مردم ایران را از پای درآورند.

شاید در برخی عرصه‌ها دشواری‌هایی برای هم‌وطنان به وجود آمد، اما مردم هرگز ناامید نشدند، بلکه بالعکس، یاد گرفتند که باید برای ادامه مسیر، به جای تکیه بر بیگانگان، به خود و توانمندی‌های داخلی و بومی تکیه داشته باشند؛ لذا جنگ تحمیلی تبدیل به نعمتی شد و امروز در خیلی از زمینه‌ها، ما خودکفا هستیم.

آنچه مورد نیاز است، تولید می‌کنیم و به دانش بومی در اکثر عرصه‌ها رسیدیم که با هیچ بمبی مورد آسیب قرار نمی‌گیرد. فرزندان این مرزوبوم در یک ماه گذشته، در همه عرصه‌ها نشان دادند که مردم در کف میدان، رزمندگان دلیر، نیروهای مسلح در میانه میدان نبرد، و مدیریت کلان کشور در بالاترین سطح، همه پای کار ایران ایستاده‌اند این پدیده را می‌توان با نظریه تاب‌آوری ملی (National Resilience Theory) مورد تحلیل قرارداد اراده ملت برابر فشارهای خارجی، نه تنها فرو نمی‌ریزد؛ بلکه تقویت می‌شود.

دشمن باید بپذیرد که جهان از نظام دروغین تک‌قطبی و نظام‌های شمال و جنوب عبور کرده است، مردم مختلف دنیا دلشان می‌خواهد ضمن تعامل و احترام متقابل به یکدیگر، در آرامش زندگی کنند، به‌دور از زیاده‌خواهی و به‌دور از وجود رژیم‌های جعلی و کودک‌کشی که آرامش دنیا را بر هم زده‌اند. دشمن باید بداند که این بار نیز، همان‌طور که در جنگ هشت‌ساله تجربه کرده است، حقیقت از دروغ جدا می‌شود و این حقیقت، در گرو اراده ملتی است که نامش را با خون شهیدان و فرهنگ مقاومت و سلحشوری عاشورا بر صفحه تاریخ نوشته است.

در پایان می‌توان گفت که مدیریت بحران رسانه‌ای ایران نه تنها موفقیت‌آمیز بوده، بلکه به الگویی برای دیگر ملت‌ها در برابر جنگ‌های ترکیبی تبدیل شده است. دشمن باید بپذیرد که واقعیت میدانی هیچ‌گاه در منجلاب تبلیغاتی غرق نخواهد شد و حقیقت، همواره برنده است.

از آغاز جنگ تحمیلی سوم، دشمن سعی نموده است تا فضای رسانه‌ای ایران را در محاصره‌ای از روایت‌های متضاد و متغیر از اهداف خود قرار دهد، این پدیده را می‌توان در چارچوب «نظریه کادربندی» (Framing Theory) تحلیل کرد؛ جایی که دشمن سعی می‌نماید با کادربندی‌های متناقض، ادراک افکار عمومی را از واقعیت‌های میدانی دور کند.

به عنوان تحلیلگر رسانه، باید تأکید کنم که این عدم ثبات در گفتار دشمن و تغییر مداوم استراتژی‌های ارتباطی، باعث شده است تا مردم ایران و افکار عمومی آگاه جهانی، ادعاهای دشمن را نه تنها جدی نگیرند، بلکه فاقد اعتبار بدانند. وقتی ادعاها را در یک سلسله‌مراتب زمانی بررسی می‌کنیم، تناقضات آشکار می‌شود. در ابتدا مطرح شد: «به‌خاطر مردم ایران وارد جنگ شده‌ایم». اما با گذشت زمان، همان ادعا به «برگرداندن شکوه ایرانی» تغییر یافت. مردم، تبلور این ادعا را در بمباران مناطق مسکونی، آثار باستانی، مراکز آموزشی و زیرساخت‌های حیاتی کشور، به‌صورت عملی شاهد بودند.

در ادعاهای بعدی، گفته شد که «کار به مردم ایران نداریم». متأسفانه هنوز اندک افراد ساده‌اندیش در برابر آنچه در کشور اتفاق می‌افتد، خود را به تجاهل و نابینایی می‌زنند و جنایت‌هایی مثل بمباران مدرسه میناب و امثالهم، گواه روشنی بر خلاف این ادعای دشمن هستند.

در این رخدادها برخی کشورهای منطقه، به‌طور جدی، با در اختیار گذاشتن زمین و آسمان خود با دشمن همکاری کردند و پس از اینکه ایران پاسخ قوی و دندان‌شکن داد، همان کشورها شروع کردند به مظلوم‌نمایی و پیش‌کشیدن مفاهیمی چون حقوق بشر، همسایگی و سازمان ملل و شورای امنیت، درحالی‌که مبدأ خیلی از تهاجمات دشمن، همان کشورها بودند که به‌جای همراهی با ایران و کمک به تأمین امنیت خلیج فارس، به دشمن متوسل شدند.

امروز باید بار خفت پابوسی جنایت‌کاران را بر شانه‌های خود حمل کنند و بدین ترتیب تنگه هرمز که تا پیش‌ازاین باز بود با شیطنت‌های دشمن با راهبردی شایسته و شجاعت مردان دریادل نیروهای مسلح کشور به روی دولت‌های متخاصم بسته شد. البته شدت این ضربه کاری آن‌قدر زیاد بود که دنیا متوجه آن شد لیکن هنوز دشمن کم‌کم دارد به اثرات آن پی می‌برد که این اقدام سلحشوران ایرانی را می‌توان در چارچوب «اقدام بازدارنده» تحلیل کرد که توانست هزینه‌های استراتژیک دشمن را افزایش دهد.

اما در تازه‌ترین ادعای دشمن متخاصم، بعد از انجام انواع جنایت‌های جنگی شامل حمله به مدرسه و بیمارستان و هلال احمر، مرکز تولیدی، علمی و درمانی، زیرساخت‌های حیاتی، بازگرداندن ایران به «عصر حجر» مطرح شده است. ایران

روزنه

قلعه مروست یزد
نمادی از فرهنگ و تاریخ ایران

یکی از مهمترین آثار تاریخی، فرهنگی و گردشگری استان یزد، قلعه مروست است که نماد عینی از فرهنگ و تاریخ کهن ایران محسوب می‌شود.

به گزارش ایرنا، بیش از یک هزار سال پیش در مرکز بافت تاریخی مروست و بر بالای تپه‌ای دست ساز، قلعه‌ای ساخته شد که در حال حاضر تنها قسمت‌هایی از هشتی ورودی، شاه نشین بالای سردر و برج‌های کنگره دار آن باقیمانده است.

قلعه تاریخی و فرهنگی شهرستان مروست، اولین اثر ثبتی شهرستان خاتم در استان یزد است که در سال ۱۳۷۸ به شماره ۲۵۴۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

این قلعه با ساختاری از مصالح خشت و گل و به کارگیری آجر در سر در آن بر بالای بلندی مشرف به شهر مروست در استان یزد قرار دارد. این اثر با ارزش تاریخی در محدوده مرکزی بافت قدیمی شهر مروست جای دارد و با توجه به اهمیت قلعه مروست در این بافت تاریخی، می‌توان این بنا را نماد شهرستان مروست نامید. قلعه مروست با ارتفاع حدود ۶ متر با وسعتی قریب هشت هزار مترمربع واقع شده که صلابت، عظمت و بلندی خود را به رخ هر بیننده‌ای می‌کشد و از این حیث در نوع خود منحصر به فرد و هر ساله شاهد حجم بالایی از گردشگران است که برای بازدید از این قلعه به این منطقه سفر می‌کنند. قلعه یاد شده دارای سه برج مدور در سه گوشه آن است که در قسمت ضلع جنوب شرقی قلعه بجای برج، سر در ورودی قلعه قرار گرفته است و سر در قلعه در دو طبقه بنا شده است که سقف طبقه اول کلا فرو ریخته است و فقط پایه‌های آن بجا مانده است.

قرار گرفتن بر بلندی و اشراف آن به شهر و جاذبه‌نمایی آن از دور به هنگام ورود به مروست از مسیر هرات از خصوصیات بارز این بنا محسوب می‌شود.

شهرستان مروست در فاصله ۱۸۰ کیلومتری از مرکز استان یزد قرار دارد و از شمال با شهرستان مهریز، از شمال غربی با شهرستان‌های تفت و ابرکوه، از غرب با شهرستان بوانات و از جنوب غربی با شهرستان سرچهان استان فارس، از جنوب با شهرستان خاتم و از شرق با شهرستان شهربابک استان کرمان همسایه است.

استان یزد بیش از ۶ هزار اثر تاریخی، فرهنگی و گردشگری دارد.